



نگاهی تحلیلی به ویژگی‌های زبانی دیوان ملاً زلفعلی بختیاری (کرآنی)

حمید سلیمانی خواه

دانشجوی کارشناسی رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان

چکیده:

ملاً زلفعلی بختیاری از پیشگامان شعر گویش بختیاری است. در سرزمین بختیاری از دیرباز تاکنون شاعران زیادی وجود داشته‌اند که ضمن تسلط بر زبان فارسی معیار و سرودن شعر به زبان فارسی آثاری با گویش بختیاری ارائه نموده‌اند. در این میان شاعرانی بوده‌اند که به صورت ویژه به سرودن شعر به گویش بختیاری پرداخته‌اند. از پیشگامان برجسته گویش بختیاری ملاً زلفعلی بختیاری (کرآنی) است که پیش از داراب افسر بوده است و آثار او سرآغاز تحول بزرگی در شعر گویشی بختیاری معاصر به شمار می‌رود. با توجه به اهمیت دیوان این شاعر بخصوص از لحاظ پیشگامی در گویش بختیاری نویسنده در این مقاله بر آن شده است تا ویژگی‌های زبانی دیوان این شاعر را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد و مشخص کند کدام ویژگی‌های زبانی در دیوان این شاعر بیشتر به چشم می‌خورد. استفاده از واژگان اصیل بختیاری، کاربرد زبان طنزآمیز، وجود اصطلاحات عامیانه، استفاده از واژگان عربی، کاربرد قافیه‌های ساده و تکراری و به کار بردن الفاظ رکیک در شعر از جمله ویژگی‌های پرکاربرد در دیوان این شاعر است. این تحقیق به روش توصیفی - تحلیلی و بر پایه‌ی منبع کتابخانه‌ای نگارش یافته است. **کلیدواژه‌ها:** گویش بختیاری، ملاً زلفعلی، دیوان شعر، ویژگی زبانی.



مقدمه:

گوش بختیاری را بر پایه شواهد و معیارهای آواشناختی می توان از گروه گویش های جنوب غربی ایران دانست (اشمیت، ۱۳۸۲: ۶۳). به طور کلی، گویش لری و بختیاری در اصل یکی از لهجه های فارسی آغازی بوده است که حدود هزار سال پیش، از این زبان جدا شده، سیر و تحوّل جداگانه ای پیموده است (محمدی ده چشمه و محمدی، ۱۳۹۸: ۸۶). بختیاری ها به یک لهجه ی محلی که معمولاً به زبان لری معروف است تکلم می کنند؛ این لهجه بدون اینکه لغات ترکی و عربی وارد آن شده باشد، گونه ای از لهجه ی تحریف شده فارسی قدیم است که بختیاری ها آن را حفظ کرده اند؛ این لهجه واقعا همان زبان مردم ایران باستان است و بیشتر به زبان شاهنامه شباهت دارد (هنری لایارد، ۱۳۷۱: ۱۶۵). لرد کرزن از قول راولینسون می نویسد: «زبان بختیاری ها از فارسی قدیم گرفته شده است که با زبان پهلوی زمان ساسانی تجانس و از جهتی با آن تفاوت دارد، حال می توانیم با احتمال بسیار قوی قبول کنیم که ایشان بازماندگان نسل و نژادی ممتازند» (کرزن، ۱۳۶۷: ۱۳۴). پژمان بختیاری پیوستگی این گویش را با زبان پهلوی و تا حدی با زبان پارسی باستان، بیان کرده و می نویسد: «هنوز اشعار بختیاری رنگ روزگار ساسانی را از دست نداده و به صورت هجایی باقی مانده، مصرع های دوازده هجایی و بیشتر دارد و ...» (رضایی و امانی بآبادی، ۱۳۹۲: ۱۴۰).

از دیرباز تا کنون شاعرانی چند با گویش بختیاری و زبان لری شعر سروده اند. در گستره ی قوم لر، از نخستین شاعرانی که به زبان لری شعر سرود، باباطاهر عریان در قرن پنجم هجری است و از قدیمی ترین شاعران بختیاری، میرزا حسن واهب (واهب المیری) است که در تذکره ها نامش ثبت شده و معاصر شاه عباس بوده و ماده تاریخ سردر مسجدشاه «شد در کعبه در صفاهان باز» که مطابق با سال ۱۰۴۵ هجری قمری است، از اشعار اوست (افسر بختیاری، ۱۳۸۹: ۶). از افراد دیگر و از جمله آغازگران سرایش شعر به گویش بختیاری، حسینقلی خان بختیاری (۱۲۳۷-۱۲۹۹ ه.ق.) است که معاصر با دوره ی قاجاریه (ناصرالدین شاه) بوده است (محمدی ده چشمه: ۸۸). در دوران مشروطه و پس از آن هم، شاعران زیادی در سرزمین بختیاری پای در عرصه ی شعر و ادب نهادند که بسیاری از آنان ضمن تسلط بر زبان و ادبیات فارسی معیار، همچون دیگر شاعران ایران زمین، ضمن سرودن اشعار خود به زبان فارسی، آثاری نیز به گویش بختیاری ارائه نمودند مثل حسین پژمان بختیاری که خود مترجم، محقق و شاعر بزرگی بود و... در این میان تعدادی از شاعران بختیاری نیز به صورت ویژه به سرودن اشعار خود به گویش بختیاری پرداختند. از پیشگامان برجسته و مشهور شعر بختیاری در این دوران می توان ملّا زلفعلی بختیاری (کرانی) (۱۲۶۰-۱۳۴۰ ه.ش) و داراب افسر بختیاری را نام برد (محمدی ده چشمه: ۸۹). داراب افسر از سی سالگی شاعری را آغاز کرد و اولین شعرش به گویش بختیاری، شعر ملی و زیبا به نام «رستاخیز مسجد سلیمان» بود که از لحاظ محتوا و ابراز احساسات ملی، از بهترین نمونه های افکار وطن پرستانه ی او است (رحیم خانی سامانی و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۷). دیوان شعر داراب افسر بختیاری که تنها قسمتی از اشعار او را دربرمی گیرد، آن چنان سرشار از استحکام، ظرافت و تصاویر زیبای شاعرانه، معانی بلند عارفانه، اشعار



وطن پرستانه و عاشقانه است که به خاطر آن‌ها مورد تحسین فرهیختگان هم‌زمان و بعد از خود قرار گرفته است (همان: ۲۸). افسر بختیاری چنان در سرودن اشعار بختیاری به شیوایی و استواری اهتمام نمود که اینک فرهیختگان دیار بختیاری او را پدر شعر بختیاری می‌نامند. ملک‌الشعراى بهار درباره‌ی او گفته است: «کاری که فردوسی در زبان فارسی کرد، افسر در زبان بختیاری انجام داده است» (همان). از خوانش اشعار داراب می‌توان تاثیر گسترده ملاً زلفعلی بر اشعار او را دریافت؛ چه آنجا که موضوعات دینی مثل گفت‌وگو و گلایه به درگاه خداوند یا سخن گفتن از اهل بیت مطرح می‌شود و یا چه مواردی که مسائل قومی و بومی مخصوصاً ستایش و دفاع از هویت لر مطرح می‌شود و چه سرتاسر دیوان هر دوی ایشان که زبانی طنزآمیز و ملیح دارند. هدف و ضرورت تحقیق:

نویسنده در این مقاله ابتدا به معرفی ملاً زلفعلی بختیاری از پیشگامان شعر گویشی بختیاری می‌پردازد و سپس به بررسی و واکاوی دیوان این شاعر از لحاظ ویژگی‌های زبانی خواهد پرداخت تا از این طریق مشخص کند که کدام ویژگی‌های زبانی در دیوان این شاعر برجسته است و بیشتر به چشم می‌خورد. هفت ویژگی پرکاربرد زبانی در دیوان ملاً زلفعلی در این مقاله استخراج و مورد تحلیل قرار گرفته که در ادامه توضیح داده خواهند شد. با توجه به این که ملاً زلفعلی پیشگام شعر گویشی بختیاری است و دیوان او گنجینه‌ای است از لحاظ واژه‌شناسی بختیاری و موارد دیگر، ضروری است که بیشتر به اشعار و دیوان ایشان از جهات گوناگون پرداخته شود.

پیشینه تحقیق:

در ارتباط با ویژگی‌های زبانی دیوان شعر ملاً زلفعلی مقاله یا پژوهشی صورت نگرفته است؛ اما در ارتباط با ویژگی‌های فکری موجود در دیوان ملاً مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی اندیشه‌های محوری در دیوان ملاً زلفعلی بختیاری» از حمزه محمدی ده چشمه و فرزاد محمدی نگاشته شده است که به تحلیل اندیشه‌های محوری و پرسامد ملاً در دیوان پرداخته است. نویسنده در این مقاله از روش تحلیل و توصیف محتوا استفاده کرده و تمامی دیوان را از لحاظ ویژگی‌های زبانی مورد بررسی و تحلیل و سپس توصیف قرار داده است.

ملاً زلفعلی بختیاری

ملاً زلفعلی کرّانی (بختیاری) از شاعران بختیاری و از اهالی روستای کرّان در شهرستان فارسان استان چهار محال و بختیاری بوده است (رحیم‌خانی سامانی: ۲۱۳). تخلص وی «مُجرم» است و در خانواده‌ای روستایی متولد شد. تاریخ تولد وی به درستی معلوم نیست، ولی با توجه به اسناد و شواهد موجود تاریخ تولد وی بین سال‌های ۱۲۶۰ تا ۱۲۷۰ قمری؛ یعنی اواخر سده‌ی دوازدهم هجری قمری تخمین زده می‌شود (شایان، ۱۳۸۲: ۴۷۵). وی از نوابغ و شعراى آن زمان به شمار می‌آید و قسمتی از اشعار و افکار که غالباً به زبان لری سروده شده، به طبع رسیده است. این شاعر از همان کودکی به فراگیری علوم علاق‌ه‌ی بسیاری داشت (قیصری، ۱۳۵۷: ۶۷۶)؛ به همین سبب در مکتب‌خانه خواندن و نوشتن را فراگرفتو با زبان فارسی و صرف و نحو



عربی آشنایی کامل پیدا کرد. استفاده این شاعر از لغات و اصطلاحات عربی در برخی ابیات خود بیانگر این ادعا است. ملاً زلفعلی طبعی لطیف و ذوقی سرشار و عشق و علاقه‌ای وافر به سرودن داشت. «از آنجا که مجرم خود، بختیاری زاده بود بر زبان و واژگان بختیاری تسلط کافی داشت و همین امر او را به سرودن اشعاری ناب و زیبا به گویش بختیاری تشویق و ترغیب نمود» (اوژن بختیاری، ۱۳۳۲: ۱۸۴). ملاً زلفعلی به سبب سفرهایی که به نواحی ایلات و عشایر بختیاری داشت، وسعت واژگان و قلمرو زبان شعری خود را افزایش داد و بر اصالت هر چه بیشتر اشعار محلی اش افزود. «این شاعر در بین مردم کرّان به فردی منصف و عادل مشهور بود که در هنگام عقد قراردادهای، مدارک، اسناد محلی و صلح‌نامه‌ها، مهر و امضای وی اعتبار خاصی داشت. ملا فاقد اولاد پسر بوده است و تنها یک دختر داشته است. وی دو برادر به نام‌های هیبت‌الله و یدالله داشته است که فرزندان آنها در روستای کرّان حیات دارند. او در اواخر عمر نابینا می‌شود و در حدود سنه ۱۳۴۰ هـ.ق. وفات می‌یابد» (دهقان فارسانی، ۱۳۷۶: ۵). زلفعلی بختیاری که او را با نام ملاً زلفعلی گُرونی (گُرّانی) می‌شناسند، از شاعرانی است که گویش بختیاری را زبان شعر خود قرار داده و بیشتر از این گویش در آثار خویش بهره جسته است. وی چهره‌ی شناخته‌شده در شعر و ادب بختیاری است. ملاً، علی‌رغم فضای کم‌رنگ تحصیل در دیارش، باقریچه خدادادی و سرشاری که داشت، به مطالعه گسترده در علوم اسلامی و شعر پرداخت. از معروف‌ترین آثار او می‌توان به قصیده‌ی «حدیث کسا» اشاره کرد که ۱۳۲ بیت دارد. «معراج‌نامه» وی هم به زبان لری بختیاری نیز از دیگر آثار معروف او است. در قصیده‌ی حدیث کسا به شکلی زیبا و لحنی ملیح و شیرین به شرح حدیث کسا و بحث و گفتگو با خداوند می‌پردازد که بعدها داراب افسر تحت تاثیر همین قصیده، قصیده‌ی توحیدیه خود را سرود. با توجه به همین اثر می‌توان گفت که شعر ملاً به خاطر پیشگامی در سرودن اشعار لری بختیاری دارای جایگاه بسیار بالایی است و او را می‌توان به عنوان مقدم‌الشعرا بختیاری یا پیشکسوت شعر گویشی یا لهجه بختیاری نامید. شاعر توانا و گران‌قدر معاصر، مرحوم «پژمان بختیاری» در مقدمه دیوان شعر خود چنین نوشته است که: «یکی از خصایص این طبقه از اشعار بختیاری (اشعار تابع عروض) جدل و محاکات با ذات باری تعالی است و ظاهراً نخستین کسی که پس از ناصر خسرو و خیام به اینگونه افکار پرداخته است، ملاً زلفعلی از مردم کرّان است که مجرم تخلص می‌کرده است» (بختیاری: ۶). آثار مذکور ملاً زلفعلی در سال ۱۳۴۵ شمسی در اهواز به انتشار رسید که البته از غلط‌های املائی و افتادگی‌های حروفی خالی نبود. ملاً زلفعلی بنابر اقوال مختلف آثار دیگری نیز داشته که متأسفانه تاکنون اثری از آنها بر جای نیست. بخشی از اشعار این شاعر با عنوان «دیوان ملاً زلفعلی بختیاری» در سال ۱۳۷۶ به همت محسن دهقان فارسانی و بخشی نیز به همین عنوان در سال ۱۳۷۹ به کوشش مرید محمدی به چاپ رسید (رحیم‌خانی سامانی: ۲۱۵).

ویژگی‌های زبانی دیوان شعر ملاً زلفعلی بختیاری

۱. استفاده و کاربرد فراوان از واژگان اصیل بختیاری



از آنجا که ملّا زلفعلی خود بختیاری زاده بوده با زبان و واژگان بختیاری آشنایی و تسلط کافی داشته است و همین امر او را به سرودن اشعار ناب و زیبا به این گویش تشویق و ترغیب نموده است (اوژن بختیاری: ۱۸۴). علاوه بر بختیاری زاده بودن ملّا یکی از عوامل موثر دیگر در تسلط ملّا بر زبان و واژگان بختیاری، سفرهایی بوده که به نواحی ایلات و عشایر بختیاری داشته است (دهقان فارسانی: ۵)؛ قطعا این سفرها بوده است که بر وسعت واژگان و قلمرو زبان شعری ملّا زلفعلی افزوده است. دیوان ملّا از لحاظ وجود واژگان اصیل بختیاری بسیار حائز اهمیت است، به طوری که با خواندن دیوان این شاعر واژگان بختیاری زیادی می بینیم که امروزه برای بسیاری از مردم حتی بختیاری زبانها هم می تواند ناشناخته باشد. یکی از مهم ترین شاخصه ها و ویژگی های مهم زبانی دیوان ملّا، همین، استفاده فراوان از زبان و واژگان اصیل بختیاری است.

لو چو تر کرد به سرچشمه ی ظلمات علی
 خضر بس گد که صد خضر به ویرت داری (ملّا زلفعلی
 بختیاری، ۱۳۷۶: ۲۰)

Leow čo tar kerd be sarčešmeye zolmāte ali \ xezr bes god ke sad xezr be viret dāri
 برگردان: چون لب تر کرد (کنایه از شروع کردن) به گفتن از سرچشمه ظلمات علی، حضرت خضر به او گفت که صد خضر
 را به یاد داری.

واژه ی ویر (vir) از واژگان اصیل بختیاری است که در شاهنامه هم بارها تکرار شده است و این خود گواه آن است که زبان بختیاری، همان زبان تحریف شده ایران باستان و زبان پهلوی است. واژه ی ویر در شاهنامه در سه معنای متفاوت یعنی؛ حافظه و یاد، فهم و هوش و ادراک، بهر و سهم و قسمت، به کار رفته است (شامبیاتی، ۱۳۷۵: ۵۴۲).

پرسید نامش ز فرخ هجیر

بگفتا که نامش ندارم به ویر

دو مرد خردمند بسیار ویر

به مردی و گردی چو درنده شیر

نه گهواره دیدم نه پستان شیر

نه از هیچ خوشی مرا بود ویر (همان)

اصولا زبان بختیاری از اصیل ترین و بکرترین شاخه های زبان فارسی است که ریشه ی آن «فارسی دری پهلوی» است. به علت ویژگی های منطقه ی جغرافیایی بختیاری و بن بست بودن منطقه، به طور جدی پای بیگانگان به این سرزمین بکر نرسیده و در طول چندین قرن از اختلاط سایر زبانها محفوظ مانده است. نزدیکی لهجه ی شیرین بختیاری با زبان پهلوی باعث شده که زبان شناسان آن دو زبان را از یکدیگر جدا ندانند و می توان گفت، از زبان پهلوی به یادگار مانده است.

ای بوو جون بوت حالتّم آمو خو نی
 رو دعا کن که مرنگ بو، نبو بیماری (ملّا زلفعلی بختیاری: ۲۲)

Ey beo jone bot hālatom amro xo ni \ reow doā kon ke mereng bo nabo bimāri
 برگردان: ای پدر (مخاطب حضرت فاطمه (س)) چون بابات امروز حالم خوب نیست، برو دعا کن که سرماخوردگی باشد و بیماری دیگری نباشد.



واژه‌ی مَرِنِگ (mereng) به معنای سرماخوردگی از دیگر واژگان کهن بختیاری است.

فاطمه از سر تلواره بیاورد جاجیم بکشید ریس چو آوری سر آفتو واری (همان)

Fāteme az sare talvāre beyāvord jajim \ bekešid reis čō aowri sare aftaow vāri

برگردان: فاطمه از سر سکویی که رختخواب را روی آن می گذارند، جاجیم یا لحافی آورد و مانند ابری که روی خورشید می کشند، لحاف را روی پدر کشید.

واژه‌ی تلواره (talvare) از واژگان بختیاری به معنای سکویی که روی آن رختخواب‌ها را قرار می دهند، واژه‌ی آور به معنای ابر و آفتو همان آفتاب است.

بگد محمد که ای کاکا مَنه خواهی بری بالا پیاده نیترم آیم ندارم قوت بندار (همان: ۴۷)

Begod mahmad ke ey kākā mone xāhi beri bālā \ piyāde nitarom āyom nadārom qovvate bendār

برگردان: بگفت (جبرئیل) محمد، ای برادر می خواهی من را به بالا ببری (اشاره به رفتن به معراج). من پیاده نمی توانم بیایم و قوت پیاده روی را ندارم.

همه ور کنند و با شوق و نشاط رسخیدن کل زدن شرک بکردن ز خدای باری (همان: ۲۸)

Hame vor kanden o bā šoq o nešāt rasxiden \ kel zaden šork bekerden ze xodāye bāri

همه از شادی بالا و پایین پریدن و با نشاط می رقصیدن، زنان بانگ شادی سر می دادند و خدای باری تعالی را شکر می کردند. در این بیت واژه‌ی ور کنند (vor kanden) به معنی بالا و پایین پریدن است و واژه‌ی کل زدن (kel zaden) در بختیاری به معنای بانگی است که زنان هنگام نشاط و شادی سر می دهند. اگر دقت کنیم واژه‌ی رسخیدن و واژه‌ی شرک (šork)، همان شکل دگرگون شدن واژگان رقصیدن و شکر است که در زبان بختیاری با تغییر شکل و تلفظ نسبت به زبان فارسی تغییر شکل و صوت داده اند.

دیوان ملأ سرشار است از واژگان اصیل و با ریشه که می توان به تنهایی فرهنگی لغت بختیاری‌ای را از درون آن استخراج کرد. در دیوان ملأ علاوه بر واژگانی که کاملاً بنیادی بختیاری و گاهاً پهلوی دارند، واژگانی یافت می شود که شکل دگرگون شده واژگان فارسی معیار هستند که از لحاظ شکل و فرم و تلفظ تغییر یافته اند. مثل واژگان رسخیدن که همان رقصیدن یا شرک که همان شکر است. در ادامه تعدادی دیگر از این واژگان توضیح داده خواهند شد.

بنیشت ور منه ریس، فاطمه دید رنگ بوس زنه چر چی مه پر نور و یا مرواری (همان: ۲۳)

Beniyašt vor mene ris fāteme did range beos \ zane čer či mahe por nor vo yā morvāri

برگردان: به صورتش نگاه کرد، فاطمه رنگ پدر را دید در حالیکه مثل یک ماه پر نور برق می زند و یا همچون مروارید. اگر بخواهیم کمی به ریشه فعل بنیشت دقت کنیم متوجه خواهیم شد که حرف ب، پیشوند فعل است و نیشت (neyašt) همان نگشتن و نگاه کردن است که در زبان بختیاری با ظرفتی تمام تغییر فرم و شکل داده است. همچنین با تامل در واژه ریس



(ris) به معنای صورت و چهره می‌دهد متوجه می‌شویم که ریس همان روی در فارسی معیار است که تغییر تلفظ و فرم داده است. در ادامه واژه بوس (beos) را مشاهده می‌کنیم که همان، بابا است که تغییر فرم داده است. در این بیت واژه‌ی اصیل بختیاری هم یافت می‌شود که واژه «چِر» (čer) است. چِر به معنای روشنایی و پاشیدن و انعکاس نور زیاد است.

جونس او نه که به غیر از تو کسی نی‌یشنس جنده، نی‌بینه کسی جنده به تی آشکاری (همان: ۱۵)

Jones one ke be qeyre to kasi niyašnes \ jende nibine kasi jende be ti āškāri

برگردان: جانس به آن است (شانس آورده است) که کسی به غیر از تو (خدا) آن را نمی‌شناسد. جن است، کسی جن را با چشم آشکار نمی‌بیند.

فعل نی‌یشنس (niyašnes) از پیشوند نی که مخفف نمی‌است به علاوه یشنس (yašnes) که از ریشه‌ی شناسیدن و شناختن است تشکیل شده است. پس فعل نی‌یشنس همان نمی‌شناسد است. با کمی دقت و ریزینی در واژه‌ی جند (jend) و توجه با معنای متوجه خواهیم شد که همان جن است. در این بیت واژه‌ی اصیل بختیاری واژه‌ی «تی» (ti) به معنای چشم است که بسیار واژه‌ی زیبایی است و اسم‌ها و کنایات متعددی با این واژه در بختیاری ساخته شده است.

ریشه‌شناسی و بررسی واژگان بختیاری کاری است بس بزرگ که بسیار جای کار دارد. در این مقاله به افضای بحث که همان بررسی واژگان بختیاری دیوان ملّا زلفعلی بود کمی به این موضوع پرداخته شد.

۲. استفاده از واژگان و عبارات عربی و قرآنی

ملّا زلفعلی از نوابغ و شعرای زمان خود به شمار می‌آید. ایشان از همان کودکی به فراگیری علوم علاقه بسیاری داشت (قیصری، ۱۳۵۷: ۶۷۶)، به همین سبب در مکتب‌خانه، خواندن و نوشتن را فراگرفت و با زبان فارسی و صرف و نحو عربی آشنایی کامل پیدا کرد. استفاده ملّا از واژگان، اصطلاحات و عبارات عربی در برخی از ابیات شعرش گویای این مدعا است. ملّا در ابیات بسیاری صفات خداوند، را به زبان عربی در شعرش بیان کرده است. همچنین عبارات و اصطلاحات قرآنی که متناسب با موضوع بیت یا شعر بوده آورده است که آشنایی ملّا با قرآن را نشان می‌دهد. علاوه بر این ملّا ابیاتی ملمّع دارد که نشان‌دهنده تسلط کامل این شاعر بر زبان و صرف و نحو عربی است.

ای که از اصل بد و نیک خور خت داری پرده‌ی عیب مکن پاره که خت ستاری (ملّا زلفعلی بختیاری: ۱۱)

Ey ke az asle bad o nik xavar xot dāri \ pardeye eyb makon pare ke xot sattāri

برگردان: ای کسی که از اصل بد و نیک خبر داری، پرده‌ی عیب را پاره نکن که تو، خودت ستاری و پوشاننده‌ی عیب‌ها.

جبرئیل عرض بکرد کینه ز سرت آگاه عالم‌الغیبی، دلت خواست کنی هر کاری (همان: ۲۹)

Jebreil arz bekerd kine ze serrt āgāh \ ālemolqeybi delet xast koni har kāri

برگردان: جبرئیل گفت چه کسی از سرّ و رازهای تو آگاه است. تو عالم‌الغیبی و داننده همه امور پنهان، و دلت هر بخواهد را انجام می‌دهد.



تو رحیمی و حقیقت کن وا مروت خو منه جندم هنه نیکی چه توقع داری؟ (همان: ۱۷)

To rahimi o haqiqat kone vā morovvat xo \ mene jandam hone niki če tavaqqo dāri
برگردان: تو رحیم و بخشایشگری و درست کار و کسی که دنبال حق است و جوانمردمنش. تو در جهنم از او چه توقع نیکی داری؟

شوخیام منیر ای همه بیجا ایگم خاطر جمع که تو راحمی و ستاری (همان: ۳۳)

Šoxiāme maniyar I hame bija igom \ xāterom jam ke to rahemi o sattāri
برگردان: شوخی و حرف‌های طنزآمیز من را نگاه نکن که این قدر بیجا می‌گویم؛ خاطر جمع است که تو رحم‌کننده و بخشایشگری و کسی هستی که عیب‌ها را می‌پوشاند، ستاری.

در ابیات بالا شاعر صفاتی از خداوند به زبان عربی که شامل ستار، عالم‌الغیب، رحیم و راحم بود را به شکلی زیبا در شعر خود آورده است که این هم بیانگر آشنایی شاعر با صفات خداوند و قرآن کریم است و هم تسلط بر وزن و شاعری. به قرونث «مکروا...» خوندم و جر وات دارم دیه حاشا نتری کرد که خت مکاری (همان: ۱۴)

Be qoronet makaro xondom o jar vāt dārom \ diye hāšā nateri kerd ke xot makkāri
برگردان: در قرآنت «و مکروا و مکراً الله و الله خیر الماکرین» خواندم و با تو دعوا دارم، دیگر نمی‌توانی حاشا و انکار کنی چون خودت مکار هستی.

در این بیت شاعر آیه‌ی ۵۴ سوره‌ی مبارکه آل عمران را در شعر خود به کار برده است که بیانگر تسلط و آشنایی شاعر با قرآن و تعالیم دینی است و می‌توان به روحیه‌ی و تفکر دینی شاعر پی برد.

باغون میوه‌ی باغس نخوره وُر منه باغ شَهَدَ اللهُ تو باغون خت ایوا داری (همان: ۱۲)

Bāqon miveye bāqes naxore vor mene baq \ šahadallāho to baqone xot ivādāri

برگردان: اگر باغبان نخواهد میوه‌ی باغ خود را بخورد، به خدا قسم تو باغبان را وادار و مجبور می‌کنی.

تا که مو زنده‌ام از شوخی نبندم دو کووم به مدینه بکنم هم‌ره‌یه زواری (همان: ۳۶)

Tā ke mo zendeom az šoxi nabandom do lavom \ be madine bokonom hamrahe ye zavvāri
برگردان: من (شاعر) تا زنده هستم از گفتن شوخی و طنز دست بر نمی‌دارم. مرا راهی مدینه همراه و همسفر یک زوار و زائر بکن.

ستمی کرد به اولاد علی کز ستمس خواست آفته به زمین نه فلک دواری (همان: ۳۴)

Setami kerd be eowlāde ali kaz setames \ xāst ofte be Zemin no falake davvari

برگردان: ستم و ظلمی در حق اولاد و فرزندان امام علی (ع) کرد که از ستم او نه فلک دوآر و گردنده می‌خواستند به زمین بیافتند.



در ابیات بالا شاعر عبارات و صفات متعدد عربی از جمله شَهِدَ اللهُ، زَوَّار و دَوَّار را در شعر خود آورده است که تسلط شاعر را بر زبان عربی نشان می‌دهد.

دُزِ تو آر که عرب بینه یَشْتَمَهُ يَقُولُ أَقْتَلُوا و احْتَرَقُوا جَنَّتَهُ بِالنَّارِ (همان: ۱۴)

Doze to ar ke arab bine yaštamaha yaqolo \ aqtaalo va ehtaraqo jasataho belnāri

برگردان: دزد تو اگر عرب را ببیند او را دشنام می‌دهد و می‌گوید او را بکشید و جنتش را آتش بزنید.

در این بیت شاعر جملات متعدد عربی را در شعرش به کار برده که علاوه بر اینکه تسلط شاعر را در زبان عربی نشان می‌دهد، بلکه بیانگر آن است که شاعر چقدر با صرف و نحو عربی و نحوه ادای کلمات و جملات با زبان عربی آشنا است و تسلط دارد. همانطور که گفته شد شاعر از کودکی به فراگیری علوم از جمله صرف و نحو عربی مشغول بود و این کاربرد الفاظ و جملات عربی در شعرش گویای این مدعا است.

۳. به کار بردن الفاظ، کلمات و عبارات رکیک در شعر

ملاً زلفعلی در برخی از ابیات شعرش الفاظ و عبارات رکیک و توهین‌آمیز به کار برده است که در اکثر موارد مخاطبش شیطان است که مانند دزدی سعی در دزدیدن ایمان و دین مردم دارد و در موردی یزید را مخاطب قرار داده که امام حسین (ع) و یارانش را قتل عام کرد و شاعر تلاش می‌کند ناراحتی و خشم خود را با توهین و فوحش دادن به آن را نشان دهد.

دُزِ بَدَذَاتِ حَرَمِزَادِهِ اِیْمُونِ دُزِ تو أَر دَلت جَرِ نَخو اِی دُزِ تو نِیوَاداری (ملاً زلفعلی بختیاری:

(۱۴)

Doze badzāte haromzādeye imon doze to \ ar delet jar naxo | doze to nivādāri

برگردان: دزد بدذات حرام‌زاده‌ی ایمان دزد تو. اگر دنبال جنگ و دعوا نباشی این دزد را به دزدی وادار نمی‌کردی.

منظور از دزد بدذات حرام‌زاده‌ی ایمان دزد، شیطان است که شاعر برای ابراز خشم و عصبانیت خود نسبت به آن، صفات بدذات و حروام‌زاده و ایمان دزد را به‌طور صریح به او داده است.

أر صفاهونی وافهم بدیدس ایگد خار کس ده چَقَدَرِ جَندهی و بیعاری (همان: ۱۵)

Ar sefāhoniye vāfahm bedides igod \ xārkosde čeqadar jendei o biāri

برگردان: اگر اصفهانی دانا و زیرک او را بدید به او (شیطان) می‌گفت: خواهر کس ده تو چقدر جنده و تنبل هستی.

در این بیت شاعر فوحش‌ها و الفاظ رکیک و ناپسندی را استفاده کرده است و مخاطبش شیطان است. شاعر چون شیطان را دزدی خبیث و پلید می‌داند که اعتقادات و ایمان مردم را مورد سرقت قرار می‌دهد سعی کرده با صریح‌ترین زبان خشونت و نفرت خود را از این موجود پلید آشکار کند و در این زمینه تعارف و مسامحه‌ای را جایز ندانسته و با کوبنده‌ترین عبارات و الفاظ نظر خود را بیان کرده است. شاعر در این بیت از طریف مردم اصفهان سخن می‌گوید.

أر که موری مننه بازفت بدیدس وا گُرز چو به قین دُزِت اِیکرد گُرِ شِیمباری (همانجا)



Ar ke meowri mene bāzof t bedides vā gorz \ čo be qine dozet ikerd kore šimbāri
 برگردان: اگر فرد موری (از طوایف بختیاری که در شهر بازفت شهرستان کوه‌رنگ چهر محال و بختیاری قرار دارد) در بازفت
 او (شیطان) را با گرز بدید، پسر شیمباری (دشتی سرسبز در شمال شرق خوزستان و در مسیر جاده مسجد سلیمان به شهر کرد)
 چوب در کونش می‌کرد.

شاعر در این بیت از زبان طایفه‌ی موری سخن گفته است و همانند بیت قبل عباراتی صریح و کوبنده نثار شیطان کرده است.
 تخم سگ، حرف حرامزاده نه شنید و بکشت شاه شاهون و یارونس از غداری (همان: ۳۳)

Toxme sag harfe haromzāda ne ešnid o bekošt \ šāhe šāhon o yārones az qaddāri

برگردان: تخم سگ حرف حرامزاده را شنید و شاه شاهان و یارانش را از رو فریبکاری و کینه‌ورزی کشت.
 در این بیت تخم سگ منظور یزید است که حرف شیطان حرامزاده را شنید و گوش کرد و شاه شاهان (امام حسین (ع)) و یارانش را کشت.

ری سیه بین که بسی از تشسون ایسوسن چه توقع ز حرومزاده‌ی ناپاک داری؟ (همان: ۳۴)

Ri siyah bin ke basi az tašeson isosen \ če tavaqqo ze haromzādeye nāpāk dāri

برگردان: رو سیاه بین که از آتششان می‌سوزند. تو چه توقع و انتظاری از حرامزاده‌ی ناپاک داری؟
 در این بیت حرامزاده‌ی ناپاک منظور یزید است.

۴. استفاده از واژگان، اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های بومی و عامیانه

دیوان ملاً زلفعلی بختیاری سرشار است از کلمات، عبارات، اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های بومی و عامیانه به‌طوری که وقتی یک بختیاری زبان این دیوان را می‌خواند همه چیز برای او آشنا و نزدیک به ذهن است و با کلمات و اصطلاحات و عباراتی روبه‌رو می‌شود که خود روزانه مورد استفاده قرار می‌دهد. ملاً این کلمات، عبارات، اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های عامیانه را آنقدر با زبانی شیرین و دلپذیر به کار برده است که خواننده ترغیب به خواندن ادامه مطلب می‌شود و دست از خواندن بر نمی‌دارد. کاربرد واژگان و اصطلاحات بومی و عامیانه یکی از ویژگی‌های ممتاز و برجسته در شعر و دیوان ملاً زلفعلی بختیاری است.

بی گنه نی تو دونی په قیومت سی چیت؟ خلقنه نیخو بر آفتو همنه واداری (ملاً زلفعلی بختیاری: ۱۷)

Bi gonah ni to doni pa giyomat si čet \ xalgene nixo bar afteow hamane vādāri

برگردان: انسان بی‌گناهی وجود ندارد پس قیامت برای چیست؟ نمی‌خواهد خلق را روبه‌روی آفتاب نگهداری.
 ملاً زلفعلی در مصرع دوم این بیت یک ضرب‌المثل عامیانه که در میان مردم بختیاری زبان رایج است استفاده کرده است. «خلق را بر آفتو واداشتن» که معادل معنایی آن می‌شود مردم را روبه‌روی آفتاب منتظر گذاشتن. و در جواب مصرع اول آمده که



خداوند را مورد خطاب قرار داده و به او می‌گوید: تو که می‌دانی انسان بی‌گناهی وجود ندارد پس، روز قیامت و حساب برای چیست و همه را به جهنم ببر و بیهوده آنان را در منتظر قیامت نگذار.

ری سیه بین که بسی از تشسون ایسوسن چه توقع ز حرومزاده‌ی ناپاک داری؟ (همان: ۳۴)

Ri siyah bin ke basi az tašeson isosen \ če tavago ze haromzādeye nāpāk dāri

برگردان: رو سیاه بین که از آتششان می‌سوزند. تو چه توقع و انتظاری از حرامزاده‌ی ناپاک داری؟

در این بیت اصطلاح رو سیاه است و منظور از روی سیاه بودن، شرمنده و خجالت زده شدن است.

به همی یه نفریس ایزنه هفتاد و دورَه گره بد نوم ایکنی دز ولات خُت داری همان: (۱۱)

Be hami ye nafaris izane haftad o do rah \ lore bad nom ikoni doze velāt xot dāri

برگردان: با همین یک نفری و تنها بودنش هفتاد و دو راه را می‌زند (گمراه می‌کند). تو گره را بد نام می‌کنی درحالی که دزد ولایت در نزد خودت هست.

در این بیت اصطلاح بد نوم کردن یک اصطلاح عامیانه‌ی پر کاربرد در میان بختیاری‌زبان‌ها است. که معادل آن بد نام کردن است.

راست ایگوی و بدی واس و تو نیخُیس دیه بده وُر دست ایما و تو مدار هیچ کاری (همان: ۱۴)

Rāst igoy o badi vās o to nixoyis die \ bede vor daste imā vo to madār hič kāri

برگردان: راست می‌گویی و با آن بد هستی و دیگر آن را دوست نمی‌داری، پس او را به دست ما بسپار و کاری نداشته باش. عبارت «بده وُر دست ایما و تو کاری نداشته بو» (bede vor daste imā vo to madār hič kāri)، یک عبارت عامیانه در میان مردم بختیاری است و معادل معنایی فارسی آن می‌شود، آن را به دست ما بده و تو دیگر کاری نکن و دخالت نداشته باش.

هو که از روز ازل دربه‌در ایمان کرد آر مومن زس ایکنشی غیرت و جانبداری (همانجا)

Ho ke az roze azal darbedar imān kerd \ ar monom zes ikeši geyrat o janebdāri

برگردان: آن کسی که از روز ازل ما را دربه‌در کرد (شیطان)، اگر با من باشد فکر می‌کنم هنوز تو از او طرفداری و جانبداری می‌کنی.

عبارت «ایمان دربه‌در کرد» (imān darbedar kerd) که معادل آن می‌شود ما را دربه‌در و بدبخت کرد، یکی دیگر از اصطلاحات عامیانه پر کاربرد در میان بختیاری‌ها است که ملاً در شعرش مورد استفاده قرار داده است.

ره تو دادی به منه سینم و ریشم کندی باز ایگوی بدی واس، چه زونی داری (همان: ۱۶)

Rah to dādi be mene sinom o rišam kandi \ bāz igoy badi vās če zoni dāri

برگردان: تو (خد) او (شیطان) را به سینه‌ی من راه دادی، با این حال می‌گویی با او بد هستم، تو عجب زبانی داری.



یکی از عبارات رایج در میان بختیاری‌ها عبارت، «چه زونی داری» (če zoni dāri) است و مواقعی که بحث و جدل می‌شود و طرف مقابل در حین اینکه گناهکار و مقصر است، کوتاه نمی‌آید و همچنان حرف می‌زند و بحث می‌کند در این مواقع فرد روبه‌رو به او می‌گوید چه زونی داری یعنی؛ عجب زبان درازی داری و کم نمی‌آوری.

تو بنه دل ز بهشت ما همه ایریم جندَم
بتر از دوزخ و جندَم ديه جایی داری؟ (همان: ۱۸)

To bene del ze behest mā hame irim jandam \ batar az dozax o jandam diye jāyi dāri
برگردان: تو (خدا) خیال بهشت را از سرت بیرون کن ما، خودمان به جهنم می‌رویم. آیا بدتر از دوزخ و جهنم دیگر جایی داری؟

در این بیت اصطلاح عامیانه «دل نهادن و دل کندن» مورد استفاده شاعر قرار گرفته است.

شَرَس ار زم نکنی جار کشم وُر جرغه
ای گویل همه دُونین پی هیجاری (همانجا)

Šarres ar zem nakeni jār kešom vor Jorge \ ey geowyal hame daownin peye heyjāri
برگردان: اگر شر او را از من رد نکنی، فریاد می‌کشم در فامیل و قوم و خویش. ای برادران همه بروید دنبال کمک و امدادی. اصطلاح «شَرَت بکن» (šarret bekan) در میان بختیاری‌ها بسیار رایج است و به کسی که اذیت می‌کند می‌گویند شَرَت بکن که معادل معنایی آن می‌شود؛ برو گمشو تا نینمت و شَرَت را از من کم کن.

احمد اشنید صداسه سَرسه کرد و دَر
گَد کینه حونه علی دست ز مو نیورداری (همان: ۳۰)

Ahmad ešnid sedāse sarese kerd ve dar \ god kine hone ali dast ze mo nivordāri
برگردان: احمد (حضرت محمد (ص)) صدلش را شنید و سرش را بیرون کرد و گفت: کیست؟ خانه علی هم دست از سر من بر نمی‌داری.

اصطلاح عامیانه «دست ز مو نیورداری» (dast ze mo nivordāri) در این بیت مورد استفاده شاعر قرار گرفته است که معادل معنایی آن می‌شود، چرا دست از سر من بر نمی‌داری.

یا علی دست مو وُر دومن تو، دادم رَس
ز نکیرین همو شو که خَوَر خُت داری (همان: ۳۴)

Yā ali daste mo vor domane to dādom ras \ ze nakirayn hamo šow ke xavar xot dāri
برگردان: ای علی دستم به دامت، کمکم کن؛ تو که از نکیر و مُنکر در شب اول قبر خیر داری.
در این بیت دو اصطلاح «دستم وُر دومنت» (dastom vor domanet) و «دادم رَس» (dādomras) در بختیاری بسیار رایج و در گفتگوی روزمره متناسب با شرایط مورد استفاده مردم قرار می‌گیرد. اصطلاح دستم وُر دومنت همان است که در فارسی می‌گویند دستم به دامت و اصطلاح دوم همان است که در فارسی می‌گویند به من کمک کن. همانطور که مشاهده شد اشعار ملاً زلفعلی بختیاری سرشار است از کلمات، اصطلاحات، عبارات و ضرب‌المثل‌های بختیاری. یکی از ویژگی‌های ممتاز دیوان و شعر ملاً همین استفاده و کاربرد از زبان و فرهنگ عامیانه است که شعر او را بسیار روان و



شیرین کرده است. خواننده بختیاری زبان وقتی شعرهای ملاً زلفعلی را می‌خواند انگار با زبان خود شعر سروده چرا که همه چیز برای او آشناست و نزدیک به ذهن، این ویژگی باعث می‌شود اشعار ملاً به راحتی حفظ شود و در ذهن خواننده بماند.

۵. استفاده از زبان طنزآمیز

زبان طنزگونه و طنزآمیز، ویژگی است که در سراسر دیوان ملاً زلفعلی بختیاری وجود دارد و در واقع در بطن بسیاری از ابیات روح طنز و شوخی نهفته است. همانطور که خود ملاً در ابیاتی به این ادعای ما اشاره صریح می‌کند. ملاً زلفعلی با خدای خود با لحنی طنزآمیز و شوخی گرایانه سخن می‌گوید. وقتی یک بختیاری زبان دیوان ملاً را باز می‌کند از همان ابیات اول با طنز و شوخی روبه‌رو می‌شود تا ابیات پایانی. در ابیاتی ملاً از واژگان طنزآمیز استفاده نکرده است اما؛ همانطور که گفته شد، طنز در روح و بطن ابیات نهفته است و خواننده آشنا با فرهنگ و زبان بختیاری آن طنز را درمی‌یابد و خنده ناخودآگاه بر لبان و ذهنش می‌نشیند. در همان ابیات اول شاعر خطاب به خداوند می‌گوید:

دُزِ لَر آر بَدُزَه گاو و حری وُر مَنه مال
دین و ایمون، دُزِت ایدزه از بدکاری (ملاً زلفعلی بختیاری: ۱۱)

Doze lor ar bedoze gāv o hari vor mene māl \ din o imone dozet idoze az badkārī

برگردان: دزد لَر اگر بدزدد، گاو و حری را در می‌دزدد اما؛ دزد تو از روی بدکاری دین و ایمان را می‌دزدد.
در مصراع اول گاو و خر دزدین کنایه و تعریضی از چیز کم دزدیدن است که خواننده آشنا با زبان و فرهنگ بختیاری با خواندن آن، طنز درون آن را می‌فهمد و خنده بر لبانش می‌نشیند.
ملاً در ابیاتی چند به شوخ‌طبعی و لحن طنزآمیز خود به‌طور صریح اشاره کرده است و از خداوند می‌خواهد که شوخی‌ها و طنزهای او را به دل نگیرد. ملاً در بیتی خطاب به خداوند می‌گوید:

شوخیام مَنیر ای همه بیجا ایگم
خاطرم جمع که تو راحمی و ستاری (همان: ۳۳)

Šooxiyāme maniyar lehame bijā igom \ xāterom jam ke to rāhemi o sattārī

برگردان: (خداوندا) شوخی‌های من را نادیده بگیر که این همه حرف بیهوده و بیجا می‌زنم. من مطمئن هستم که تو بخشنده و ستاری و در نهایت مرا می‌بخشی و چشم پوشی می‌کنی.
در بیتی دیگر می‌گوید:

بار الهی به حق حرمت او شش نفرت
تو مَنه نیده گر از شوخی و از بدکاری (همان: ۳۵)

Bār elāhā be hage hormateo šeš nafaret \ to mone neyde ger az šooxiyo az badkārī

برگردان: خدایا به حق حرمت آن شش نفر (حضرت محمد، امام علی، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین و جبرئیل) شوخی و بدکاری‌های مرا نادیده بگیر.

در بیتی دیگر ملاً زلفعلی با صراحت تمام می‌گوید من دست از طنز و شوخی تا زنده هستم بر نمی‌دارم:



تا که مو زندهام از شوخی نَبندم دو لوومُ به مدینه بُکنم هم ره یه زواری (همان: ۳۶)

Tā ke mo zendeom az šooxi nabandom do lavom \ be madine bokonom hamrahe ye zavvāri

برگردان: من تا زنده هستم دست از شوخی بر نمی دارم و لبانم همیشه به گفتن شوخی و طنز باز است. من را در مدینه همراه و همسفر یک زوآر و زائر بکن.

در تمامی ابیات و سراسر دیوان ملاً همراه هستیم با لحن طنزآمیز و شوخی گرایانه که یک لحظه خواننده مانند خود ملاً که می گوید یک دم لب از شوخی بر نمی بندم، خواننده هم لب از خنده نمی بندد.

۶. استفاده از قافیه های ساده و تکراری

یکی دیگر از ویژگی های زبانی پر کاربرد و ملموس در دیوان ملاً زلفعلی بختیاری کاربرد واژگان قافیه تکراری و ساده است. نویسنده با بررسی سراسر دیوان ملاً، بسامد تمامی واژگان تکراری قافیه را بدست آورده است. همچنین در دیوان ملاً دو قصیده حدیث کسا و معراج نامه وجود دارد که نویسنده واژگان قافیه را در تمامی ابیات آن ها مورد بررسی و مقایسه قرار داده است.

۱-۶. بسامد واژگان تکراری قافیه در حدیث کسا

در قصیده حدیث کسا ملاً زلفعلی بختیاری ۱۱ واژه تکراری که هر کدام بسامد تکرار متفاوت داشته اند و در ادامه ذکر خواهند شد، وجود داشته است. یکی از نقدهایی که می توان بر شعر و دیوان ملاً ایراد کرد همین استفاده از قافیه های تکراری و ساده است. در ادامه این واژگان تکراری به ترتیب ابیات و ذکر بسامد ذکر خواهند شد.

داری: واژه ی «داری» ۴۷ بار در قافیه های قصیده حدیث کسا تکرار شده است.

ستّاری: واژه ی «ستّاری» ۲ بار در قافیه های قصیده حدیث کسا تکرار شده است.

کاری: واژه ی «کاری» ۹ بار در قافیه های قصیده حدیث کسا تکرار شده است.

ماری: واژه ی «ماری» ۲ بار در قافیه های قصیده حدیث کسا تکرار شده است.

دیّاری: واژه ی «دیّاری» ۴ بار در قافیه های قصیده حدیث کسا تکرار شده است.

هیجاری: واژه ی «هیجاری» ۲ باری در قافیه های حدیث کسا تکرار شده است.

خدمتکاری: واژه ی «خدمتکاری» ۲ بار در قافیه های حدیث کسا تکرار شده است.

مُرواری: واژه ی «مُرواری» ۲ بار در قافیه های حدیث کسا تکرار شده است.

باری: واژه ی «باری» ۴ بار در قافیه های حدیث کسا تکرار شده است.

هُمواری: واژه ی «هُمواری» ۳ بار در قافیه های حدیث کسا تکرار شده است.

زاری: واژه ی «زاری» ۳ بار در قافیه های حدیث کسا تکرار شده است.

۲-۶. بسامد واژگان تکراری قافیه در معراج نامه



در قافیه‌های معراج‌نامه ۴ واژه با بسامد متفاوت تکرار شده است که نسبت به حدیث کسا، تکرار قافیه‌ها در تعداد ابیات مساوی کمتر است. در ادامه این واژگان تکراری با ذکر بسامد آورده خواهند شد.

اقرار: واژه‌ی «اقرار» ۳ بار در قافیه‌های معراج‌نامه تکرار شده است.

تار: واژه‌ی «تار» ۲ بار در قافیه‌های معراج‌نامه تکرار شده است.

بیدار: واژه‌ی «بیدار» ۲ بار در قافیه‌های معراج‌نامه تکرار شده است.

تیمار: واژه‌ی «تیمار» ۲ بار در قافیه‌های معراج‌نامه تکرار شده است.

پس از بررسی قافیه‌های دیوان ملّا، تکراری و ساده بودن قافیه‌ها ثابت شد و همچنین مشخص شد که در معراج‌نامه نسبت به حدیث کسا در تعداد ابیات برابر، تکرار قافیه‌ها کمتر دیده می‌شود.

نتیجه:

نویسنده در این مقاله بر آن بوده است تا ویژگی‌های زبانی دیوان ملّا زلفعلی بختیاری را که از پیشگامان شعر گویشی بختیاری بوده است و از این رو دیوان او از اهمیت بسیاری برخوردار است را مورد بررسی و تحلیل و کندوکاو قرار دهد. پس از بررسی این مقوله در دیوان ملّا مشخص شد که ۶ ویژگی زبانی در این دیوان مشهود و پر کاربرد بوده است، این ۶ ویژگی عبارت‌اند از: استفاده و کاربرد فراوان از واژگان اصیل بختیاری؛ استفاده از واژگان و عبارات عربی و قرآنی؛ به کاربرد الفاظ، کلمات و عبارات رکیک؛ استفاده از واژگان، اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های بومی و عامیانه؛ استفاده از زبان طنزآمیز و لحن طنزگرایانه؛ استفاده از قافیه‌های تکراری و ساده.

منابع:

- قرآن کریم.
- اشمیت، رودیگر، (۱۳۸۲)، نگاهی گذرا به زبان‌های ایرانی باستان، در: رودیگر اشمیت، راهنمای زبان‌های ایرانی، ترجمه‌ی آرمان بختیاری و دیگران، صص ۵۹-۶۹، تهران: ققنوس.
- افسر بختیاری، داراب، (۱۳۸۹)، دیوان، به کوشش حسین افسر، مقدمه عبدالحسین سپنتا، شهر کرد: انتشارات جهان‌بین.
- اوژن بختیاری، ابوالفتح، (۱۳۳۲)، تاریخچه دو قرن اخیر شعرا و عرفای چهارمحال و بختیاری، تهران: اساطیر.
- بختیاری، ملّا زلفعلی، (۱۳۷۶)، دیوان، به کوشش محسن دهقان، اصفهان: انتشارات مشعل.



- دهقان فارساني، محسن، (۱۳۷۶)، «يا ستارالعيوب، ملا زلفعلي بختياري شاعر بومي سرود» مجله شعر، سال چهارم، شماره ۲۰، صص ۶۴-۶۷.
- رحيم خاني ساماني، احمد و ديگران، (۱۳۹۷)، از چكادهاي بام ايران، آشنائي با مفاخر شعر و ادب چهارمحل و بختياري، چهارمحل و بختياري: بنياد ملي نخبگان.
- رضايي، والي، امانی بابادی، مریم، (۱۳۹۲)، «نمود دستوری در گویش لری بختیاری»، فصلنامه مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی کرمانشاه، سال اول، شماره ۳، صص ۱۳۹-۱۵۷.
- کرزن، گرد، (۱۳۶۷)، ایران و قضیه ایران، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- شامبیاتی، داریوش، (۱۳۷۵)، فرهنگ لغات و ترکیبات شاهنامه، تهران: آران.
- شایان، علی‌رحم، (۱۳۸۲)، پارسی‌سرایان بام ایران (چهارمحل و بختیاری)، ج ۲، شهرکرد: انتشارات جهان‌بین.
- قیصری، ابراهیم، (۱۳۵۷)، «مجموعه سخنرانی‌های کنگره تحقیقات ایرانی»، انتشارات دانشگاه آذربایجان.
- محمدی ده‌چشمه، حمزه، محمدی، فرزاد، (۱۳۹۸)، «بررسی اندیشه‌های محوری در دیوان ملا زلفعلی بختیاری»، فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران، سال پنجم، شماره چهارم، صص ۸۵-۱۱۲.
- هنری لایارد، استاک، مادام بیشوب، ویلسون، (۱۳۷۱)، سیری در قلمرو بختیاری، تهران: فرهنگ سرا.